

سقط جنین در یهودیت

حسین سلیمانی (L.L.M.)

- عضو هیئت علمی پژوهشی، گروه ادیان ابراهیمی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ایران.
- دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

نخستین و مهم‌ترین منبع شریعت و حقوق یهود، یعنی تورات، به سقط جنین عمدی اشاره‌ای نکرده است. در این کتاب فقط در یک مورد به مسئله سقط جنین اشاره شده و آن سقط شدن جنین زنی در جریان نزاع است. در اینجا ضارب باید برای اسقاط جنین غرامت مالی بپردازد. در دومین منبع مهم شریعت یهود، یعنی تلمود، از سقط جنین عمدی سخن به میان آمده است. در این گنجینه شریعت یهود گرچه سقط جنین عمدی ممنوع دانسته شده، برای اسقاط‌کننده آن مجازات قصاص تجویز نشده است. به‌رغم ممنوعیت سقط جنین در تلمود، در مباحث حقوقی این کتاب در مواردی اسقاط جنین روا شمرده شده است. براساس قانون تلمود، اگر زن در هنگام زایمان دچار مشکل شود و بیم آن رود که مرگ وی را تهدید کند اگر جنین هنوز در رحم باشد باید با کشتن جنین جان مادر را نجات داد؛ اما اگر سر یا بخش بزرگ‌تر جنین از رحم خارج شده باشد نمی‌توان جنین را سقط کرد؛ چرا که در اینجا دو موجود زنده قابل بقا وجود دارند و کسی نمی‌تواند بگوید جان مادر از جان فرزند مهم‌تر است. با این همه، خود مادر حتی اگر قسمت اعظم جنین به دنیا آمده باشد، می‌تواند با استناد به قاعده حقوقی پذیرفته‌شده دفاع مشروع، با سقط جنین جان خود را نجات دهد. در برخی از منابع یهودی آمده است که اگر سقط جنین برای درمان مادر لازم باشد انجام آن مجاز است و این حکم حتی شامل مواردی نیز می‌شود که جنین خود منشأ مستقیم بیماری مادر نباشد و خطر مرگ مادر را تهدید نکند. از مباحث بحث‌انگیز در حقوق یهودی درباره جواز یا عدم جواز سقط جنین، آنجاست که زن از زنا باردار شده باشد. بسیاری از عالمان یهودی بر این عقیده‌اند که زن شوهرداری که از راه زنا باردار شده می‌تواند جنین خود را سقط کند؛ اما اگر دختر بی‌شوهری این‌گونه باردار شود اسقاط جنین وی روا نیست؛ چرا که بر طبق شریعت یهود، فرزند متولد از زنا زنی شوهردار حرام‌زاده است؛ اما فرزند دختر بی‌شوهر حرام‌زاده شمرده نمی‌شود. از موارد جواز سقط جنین در تلمود آنجاست که بخواهند مجازات اعدام را درباره زنی که از راه زنا باردار شده است به اجرا در آورند. در این مورد می‌توان و حتی گفته‌اند که باید، جنین زن را پیش از اجرای مراسم اعدام سقط کرد، مگر آنکه عملیات وضع حمل آغاز شده باشد. بحثی که بیشتر در دوران جدید مطرح شده است آنجاست که خطر معلولیت کودک را تهدید کند. بیشتر حقوقدانان یهودی می‌گویند حتی در این صورت نیز نمی‌توان جنین را سقط کرد. با این همه، برخی از حقوقدانان جدید یهودی در این باره رویکرد منعطف‌تری اتخاذ کرده‌اند و در مواردی سقط جنین را اجازه داده‌اند.

کلید واژگان: سقط جنین، یهودیت، دفاع مشروع، زنا، معلولیت، تورات، تلمود، اسرائیل.

مسئول مکاتبه: حسین سلیمانی، ۴۵ متری صدوق، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل، شماره ۹۹، صندوق پستی: ۱۷۸-۳۷۱۸۵، قم، ایران.

پست الکترونیک: ho_soleimani@yahoo.com

مقدمه

سقط جنین از جمله مسائل قانونی و شرعی مهمی است که از دیرباز در نظام‌های حقوقی به آن توجه شده است. در قانون‌نامهٔ حمورابی که به حدوداً ۱۸۰۰ سال پیش از میلاد بر می‌گردد و نیز در دیگر قانون‌نامه‌های مهم دوران باستان، سقط جنین موضوعی مطرح بوده است. در حقوق یهودی که حدود سه هزار و سیصد سال قدمت دارد، سقط جنین مورد عنایت قرار گرفته است. در تورات، اولین بخش از کتاب مقدس یهود که به اعتقاد یهودیان به موسی وحی شده است، به سقط عمدی جنین اشاره‌ای نشده است. سقط جنین عمدی برای نخستین بار در میشنا^۱ مطرح شده و در مکتوبات و مراجع بعدی یهودی به آن توجهی تام شده است. برای تبیین بهتر موضوع، این مسئله را در چند محور پی می‌گیریم.

الف) سقط جنین ناخواسته:

تنها موردی که تورات به سقط جنین اشاره کرده است، جایی است که در جریان نزاع، جنین یک زن سقط شود: «اگر مردم جنگ کنند و زنی حامله را بزنند و اولاد او سقط گردد و ضرر دیگری نشود، البته غرامتی بدهد موافق آنچه شوهر زن بدو گذارد و به حضور داوران ادا نماید. و اگر ازینتی [صدمه‌ای] دیگر حاصل شود آنگاه جان به عوض جان بده. و چشم به عوض چشم و دندان به عوض دندان و دست به عوض دست و پا به عوض پا. و داغ به عوض داغ و زخم به عوض زخم و لطمه به عوض لطمه» (۸).

بر اساس آیات فوق در صورتی که فقط جنین سقط شود، ساقط‌کنندهٔ جنین باید جبران خسارت کند و مبلغی در دادگاه به شوهر زن بپردازد. اما دربارهٔ بخش دوم آیات که فرض آسیب و صدمهٔ فرد دیگر را

۱- میشنا مجموعه‌ای است در تفسیر شریعت که در حدود سال ۲۲۰ میلادی تدوین آن پایان یافت. این کتاب که سپس شرحی به نام گمارا بر آن نوشته شد و مجموعهٔ آن دو تلمود نام گرفت، هستهٔ اصلی شریعت شفاهی یهود است.

ترسیم می‌کند، بین محققان یهودی بحث و اختلاف نظر بوده است:

۱- در ترجمهٔ یونانی کتاب مقدس یهودی که به نام هفتادگانی یا سبعینیه^۲ معروف است، واژهٔ «صدمه» دربارهٔ جنین به کار رفته است. مطابق این برداشت، شق اول مطرح‌شده در آیات فوق ناظر است به جایی که جنین هنوز شکل کامل خود را نیافته است (برای این فرض مجازات نقدی در نظر گرفته می‌شود)، و شق دوم ناظر است به اسقاط جنینی که شکل کامل خود را یافته است (و برای آن مجازات قصاص لحاظ شده است). فیلون، فیلسوف یهودی، به صراحت اعلام می‌کند که می‌توان برای ساقط‌کنندهٔ جنین مجازاتی تعیین کرد. مجازات مرگ را در نظر گرفت. (۲) در برخی دیگر از تفاسیر و از جمله تفاسیر فرقهٔ قرائیم^۳ نیز این نظر پذیرفته شده است.

۲. بر خلاف نظر فوق، محققان تلمودی^۴ معتقدند که واژهٔ «صدمه» در آیات فوق اشاره است به زن نه جنین؛ به این معنا که اگر فقط جنین وی سقط شود ساقط‌کننده باید جزای نقدی بپردازد؛ ولی اگر به خود زن نیز آسیب برسد ضارب متناسب با آن آسیب قصاص می‌شود. یوسفوس، مورخ یهودی، که همین رأی را پذیرفته است می‌نویسد: اگر کسی به زنی لگد بزند و در نتیجه جنین زن سقط شود، باید به خاطر «کاهش جمعیت» جریمهٔ نقدی بپردازد؛ همچنین باید به شوهر زن نیز دینیهٔ مالی پرداخت کند، و اگر زن در اثر این ضربه بمیرد، ضارب باید کشته شود (۳).

۲- ترجمهٔ سبعینیه در سدهٔ سوم پیش از میلاد به دستور پادشاه مصر و به دست بیش از هفتاد مترجم انجام گرفته است.

۳- فرقه‌ای از یهودیان که پس از اسلام شکل گرفت و چون در جامعهٔ اسلامی می‌زیستند از فقه اسلامی تأثیر پذیرفته بودند. ایشان مخالف شریعت شفاهی (تلمود) بودند و بر مفهوم ظاهری تورات اصرار می‌ورزیدند.

۴- تلمود مهم‌ترین منبع شریعت یهود است که در سدهٔ پنجم میلادی گردآوری شده است. یهودیان از آن به «تورات شفاهی» تعبیر می‌کنند و آن را همپایه «تورات مکتوب» می‌دانند.

این است که «آن کسی که جنین را در شکم همسرش می‌کشد، به آفریدهٔ خدای یکتا و استادیژ او توهین می‌کند.» به گفتهٔ زوهر، خدا قوم اسرائیل را ستایش کرده است؛ چرا که با اینکه فرعون مصر فرمان داد که «هر پسری که زاییده شود به نهر اندازید» (۸)، «هیچ کس یافت نشد که جنین را در شکم همسرش بکشد، چه رسد به بعد از تولد وی. به این سبب بود که قوم اسرائیل از اسارت رهایی یافت» (۹).

ج) سقط جنین در صورت وجود خطر برای مادر:

بر اساس قانون تلمود، اگر زن در زایمان دچار مشکل شود و برای او خطر پیش آید، باید زندگی او را، گرچه با از بین بردن جنین، حفظ کرد:

«اگر زن در زایمان دچار مشقت شود [و بیم مرگ او رود] باید جنین را از رحم وی جدا کرده، آن را عضو به عضو خارج کنند؛ زیرا زندگی مادر بر زندگی جنین مقدم است. اگر بخش عمدۀ جنین [یا سر آن] خارج شده باشد، نمی‌توان به آن آسیب رساند؛ زیرا کسی نمی‌تواند جانی را برای جان دیگری بگیرد» (۱۰).

چنان که از این فقرات برمی‌آید، تا وقتی که جنین از رحم خارج نشده‌است، یعنی در حقیقت هنوز موجود زنده‌ای وجود ندارد، باید با کشتن جنین جان مادر را نجات داد. این کار، یعنی نجات جان مادر، نه تنها جایز بلکه واجب است. اما اگر قسمت عمدۀ جنین (یا سر آن) خارج شده باشد وی انسانی زنده و قابل بقا فرض می‌شود و کسی نمی‌تواند بگوید که جان مادر مهم‌تر از جان فرزند است (۱۱).

در دفاع مشروع، قاعده‌ای که تلمود پذیرفته است این است که اگر کسی در پی دیگری می‌رود تا وی را بکشد نجات جان فرد تعقیب‌شونده واجب است، گرچه در صورت لزوم با کشتن تعقیب‌کننده باشد (۱۲). با این همه، شریعت یهود به دیگران اجازه نمی‌دهد در صورتی که بخش اصلی جنین یا سر آن از رحم مادر خارج شده است و برای مادر خطر جانی ایجاد کرده

مطالعهٔ سقط جنین در قوانین شرق باستان (مثل قوانین حمورابی، سومر، آشور و حیثی) می‌تواند فضای حاکم بر قوانین یهودی را تا حدودی روشن کند. بر اساس این مجموعه قوانین، مجازات ضرب و جرحی که باعث سقط جنین می‌شد، مجازات مالی و گاهی نیز شلاق بود؛ اما مجازات مرگ برای این کار اعمال نمی‌شد. در قانون نامهٔ حمورابی در دو ماده (مواد ۲۰۹ و ۲۱۰) عباراتی شبیه آیات تورات آمده‌است: اگر مردی زنی را زد و باعث شد که جنین او سقط شود، او باید ده شیکل نقره برای جنین او بپردازد. اگر زن بمیرد، واردکنندهٔ ضربه باید کشته شود (۴).

ب) سقط جنین عمدی:

در تلمود سقط جنین، قتل عمد تلقی نشده و از این رو برای ساقط کنندهٔ جنین مجازات قصاص در نظر گرفته نشده است (۵). با این همه، سقط جنین ممنوع است. محققان ممنوعیت سقط جنین را با استفاده از قیاس اولویت، از قوانین مربوط به جلوگیری از بارداری، جماع منقطع، یا داشتن رابطه جنسی با همسر در وقتی که احتمال آسیب به جنین او وجود دارد استنباط کرده‌اند؛ چراکه بر اساس تلمود، انجام چنین اعمالی گناه است و چنین گناهکاری «خونریز» شمرده شده است (۶). پس اگر کسی که، برای مثال، با جماع منقطع باعث می‌شود که نطفه‌ای شکل نگیرد مجرم است، کسی که جنین موجود را از بین ببرد به طریق اولی مجرم است.

به نظر می‌رسد این گفتهٔ یوسفوس نیز اشاره به همین مطلب باشد:

«شریعت به پرورش همهٔ فرزندان فرمان داده‌است و زنان را از سقط جنین یا از بین بردن نطفه منع کرده است. زنی که چنین کند قاتل فرزندان شمرده می‌شود؛ زیرا باعث از بین رفتن یک نفس و کاهش افراد خانوادهٔ مرد شده‌است» (۷).

در زوهر^۱ آمده‌است که پایه و اساس نهی از سقط جنین

۱- زوهر مهم‌ترین اثر در باب عرفان یهودی (قبالا) است.

است به قاعده فوق تمسک جسته، جنین را برای نجات جان مادر بکشند؛ زیرا، به گفته تلمود، «او [مادر] از آسمان [تقدیر الهی] تعقیب شده است» (۱۳) و «کسی نمی‌داند که آیا جنین تعقیب‌کننده مادر است یا مادر تعقیب‌کننده جنین است» (۱۴).

به رغم این قاعده، خود مادر آنگاه که زندگی‌اش در خطر باشد، می‌تواند جنین را سقط کند، گرچه قسمت اصلی جنین به دنیا آمده باشد. استدلال تلمود در این باره چنین است: «زیرا گرچه دیگران نمی‌توانند در اینجا قانون مربوط به تعقیب‌کننده را درباره جنین جاری کنند، با این همه، خود مادر می‌تواند جنین را تعقیب‌کننده خود تلقی کند [و برای نجات جان خود آن را سقط کند.]» (۱۵).

در قانون‌نامه‌های پس از تلمود درباره این مسئله که جنین زندگی مادر را به خطر اندازد دو دیدگاه اتخاذ شده است. برخی از این مجموعه‌ها می‌گویند اگر جنین زندگی مادر را به خطر اندازد می‌توان آن را سقط کرد؛ «زیرا جنین مادر را تعقیب می‌کند تا وی را بکشد» (۱۶) اما در مواردی که جنین فی‌نفسه و مستقیماً باعث بیماری مادر نیست، مثلاً بیماری مادر ناشی از التهاب یا تبی است که ربطی به بارداری ندارد، نمی‌توان جنین را برای نجات مادر از بیماری سقط کرد (۱۷).

برخلاف این دیدگاه، در بیشتر قانون‌نامه‌های بعدی، که صاحبان آنها به *آخرونیم*^۱ معروف‌اند، اعتقاد بر این است که سقط جنین اگر برای بهبود مادر ضروری باشد مجاز است؛ اگرچه بیماری او به‌طور مستقیم از جنین ناشی نشده باشد و اگر حتی این خطر وجود نداشته باشد که مادر به خاطر بارداری از بین برود (۱۸).

یاکوب عمیدن، تلمودشناس قرن هجدهم، معتقد است که سقط جنین مجاز است «تا مادامی که جنین از شکم مادر خارج نشده است، حتی اگر این کار برای حفظ

زندگی مادر نباشد، بلکه فقط به این خاطر باشد که او را از ناراحتی و عذاب شدیدی که جنین باعث آن شده حفظ کند» (۱۹). یکی دیگر از دانشمندان متأخر به نام بن‌صیون مؤیرحی عوزئیل دیدگاهی شبیه نظر فوق را پذیرفته است. وی می‌گوید سقط جنین اگر به خودی خود قصد شده باشد ممنوع است؛ اما «اگر برای برآوردن نیازهای مادر باشد... گرچه حیاتی نباشند، مجاز است». وی براین اساس حکم می‌کند که اگر پزشک تشخیص دهد که ادامه بارداری باعث ناشنوایی مادر می‌شود سقط جنین او مجاز است (۲۰).

د) بارداری از زنا و سقط جنین:

درباره جواز یا عدم جواز سقط جنین در صورت بارداری ناشی از زنا بین محققان یهودی بحث و گفت‌وگو شده است. یاکوب عمیدن معتقد است اگر زن شوهردار از راه زنا باردار شود می‌توان جنین او را سقط کرد؛ زیرا این کودک حرامزاده^۲ است. اما سقط جنین دختر بی‌شوهری که از راه زنا باردار شده است، مجاز نیست؛ زیرا در شریعت یهود چنین کودکی را حرامزاده نمی‌دانند (۲۱).

گفتنی است بر اساس شریعت یهود، حرامزاده، کسی است که در اثر زنا یا محارم یا زنا با زن شوهردار متولد شده باشد؛ اما اگر زن بی‌شوهر باشد فرزند او را حرامزاده نمی‌شمرند (۲۲).

در برخی از فتاوی بعد حکم شد که حتی اگر جنین از رابطه زنا با زن شوهردار نیز به وجود آمده باشد، نمی‌توان آن را سقط کرد؛ با این همه، برخی از فقیهان یهودی مانند عوزئیل با این حکم مخالفت کردند و گفتند که در صورتی که فرزند حاصل از رابطه جنسی، حرامزاده باشد خود مادر مجاز است که به اسقاط آن اقدام کند (۲۳).

از دیگر نکاتی که به مناسبت این بحث مطرح شده این است که اگر زنی از راه زنا باردار شود و بخواهند وی

۲. به عبری: *مَمَزَر*

۱- Aharonim; مراجع بعدی خاخامی.

را به مجازات مرگ برسانند با جنین وی چه باید کرد. از مواردی که تلمود سقط جنین را جایز شمرده و حتی به آن توصیه کرده است جایی است که زن باردار به اعدام محکوم شده است. طبق قوانین تلمود، مجازات زن باردار نباید به تعویق افتد، مگر آنکه وضع حمل آغاز شده باشد. در این صورت نوزاد خود «موجودی زنده» شمرده می‌شود و نمی‌توان آن را از بین برد.

برخی از محققان تلمودی معتقدند که جنین زن حامله را پیش از انجام مراسم اعدام باید از بین برد تا به هنگام اجرای حکم، موجبات شرمساری وی فراهم نگردد. در برخی از رساله‌های تلمود، درباره چگونگی این مسئله توضیحات مفصلی آمده‌است مانند رسالهٔ عراخین (۲۴).

۵) معلولیت کودک و سقط جنین:

از مباحثی که در دوران معاصر مطرح شده این است که اگر بیم آن رود که کودک به صورت معلول روانی یا جسمی متولد شود، مثلاً اگر مادر به سرخجه یا سرخک مبتلا شده باشد و بیم معلولیت کودک رود، یا اینکه مادر داروهایی مانند تالیدومید^۱ مصرف کرده باشد، آیا می‌توان جنین را سقط کرد یا خیر؟

گرایش عمدهٔ حقوقدانان یهود این است که حتی در این مورد نیز سقط جنین جایز نیست؛ مگر آنکه سلامت مادر در خطر باشد. ایشان حتی با استفاده از روش‌های تشخیصی مانند آمنیوسنتز^۲، برای تشخیص بیماری یا تعیین جنسیت، مخالف‌اند؛ علت آن است که دلیل اقدام به این امور را اطلاع از بیماری جنین و مصمم شدن به سقط آن می‌دانند، به ویژه در برخی از جوامع یهودی که بیماری ژنتیکی تائوساکس^۳ در آنها به وفور مشاهده می‌شود. ربی آی. جی. آنترمن، از فقیهان اخیر یهودی

۱- Thalidomide؛ داروی مسکن که به جنین زنان باردار آسیب می‌رساند.

۲- Amniocentesis؛ وارد کردن سوزن به زهدان برای نمونه‌برداری از مایع آمیوتیک برای تشخیص بیماری یا تعیین جنسیت.

۳- Tay- Sachs؛ بیماری ارثی برخی یهودیان اروپای شرقی که موجب عقب‌افتادگی فکری و مرگ در کودکان می‌شود.

همین استدلال را پذیرفته است. وی می‌گوید:

«این باور [که می‌توان طفل یا نوزاد را که معلول یا دارای بیماری ژنتیکی است کشت] به نظر من مخالف دیدگاه تورات است؛ بر اساس تورات، حتی در سخت‌ترین لحظه‌ها نیز قربانی کردن جان به هر دلیل که باشد، جز برای تقدیس نام خداوند (شهادت) یا حفظ زندگی مادر ممنوع است» (۲۵).

با این همه، تلمودشناسان معاصر مانند یاکوب عمدن، دربارهٔ سقط کردن جنینی که برای مثال، بیماری تائوساکس دارد رویکرد منعطف‌تری را اتخاذ کرده‌اند و سقط جنین جنینی را پذیرفته‌اند. ربی الیعزر والدمن، رئیس سابق دادگاه حقوق یهود، در سال ۱۹۶۶ حکم کرد که جنین جنینی را که زنده‌ماندنی نیست می‌توان تا هفت‌ماهگی سقط کرد. این حقوقدانان از مفهوم «نیاز شدید» استفاده می‌کنند. این ضرورت و نیاز شدید در مواردی نیز که جنین دارای بیماری سندرم داون است و خانواده ممکن است تحت فشار شدیدی قرارگیرد، اعمال می‌شود. افزون براین، مواردی که فشار روانی شدید بر مادر وارد می‌شود، مثل آنگاه که بارداری حاصل از زنا به عنف است، نیز از موارد ضرورت شدید شمرده می‌شود (۲۶).

۷) سقط جنین در نظام حقوقی دولت اسرائیل:

بر اساس قانون جزای سال ۱۹۳۶، سقط جنین و اقدام به سقط جنین جرم است و مجازات آن حبس ابد است (مادهٔ ۱۷۵). در سال ۱۹۶۶، در این قانون تجدید نظر شد و مسئولیت کیفری مادر را برای سقط جنین خودکرده کاهش داد (مادهٔ ۱۷۶). اگر اقدام به سقط جنین غیرقانونی باعث مرگ مادر شود، این عمل قتل غیرعمد بوده و مجازات آن حداکثر حبس ابد است. اگر سقط کردن جنین بدون سوءنیت و برای حفظ جان مادر یا برای پیشگیری از آسیب شدید جسمی یا روانی به وی باشد جرم نبوده و قابل مجازات نیست (۲۷).

در قانون مصوب ۱۹۷۷ در مواردی سقط جنین مجاز

قواعد دفاع مشروع، جنین را برای دفاع از جان مادر سقط کرد؛ چراکه در این حالت جنین هنوز موجود زنده کامل به حساب نمی‌آید. اما اگر سر یا قسمت اعظم بدن حمل خارج شده باشد نمی‌توان به قاعده فوق تمسک کرد؛ چراکه در تعارض جان دو موجود زنده، نمی‌توان یکی را بر دیگری اولویت بخشید.

۶- با این همه، حتی اگر قسمت اعظم حمل از رحم خارج شده باشد، خود مادر می‌تواند با استناد به قاعده دفاع مشروع، حملی را که برای وی خطر جانی ایجاد کرده است از بین ببرد.

۷- در برخی از قانون‌نامه‌های پس از تلمود اعتقاد بر این است که بیماری و ناراحتی مادر باید مستقیماً از بارداری ناشی شده باشد تا بتوان اقدام به سقط جنین کرد؛ اما در بیشتر این مجموعه‌ها چنین شرطی وجود ندارد. ایشان می‌گویند: اگر سقط جنین برای حفظ سلامت مادر ضروری باشد می‌توان اقدام به آن کرد، گرچه بیماری عامل خارجی داشته باشد.

۸- مطابق نظر فقیهان دوران اخیر، برای سقط جنین در مورد فوق، لازم نیست که خطر جانی مادر را تهدید کند، بلکه صرف برطرف کردن بیماری و ناراحتی مادر کافی است.

۹- برخی از حاخام‌های یهودی در صورت بارداری از زنا، سقط جنین را اجازه می‌دهند.

۱۰- از موارد جواز از بین بردن جنین، آنجاست که زن باردار به مجازات اعدام محکوم شده است. در اینجا چون نمی‌توان اجرای حکم را به تعویق انداخت، می‌توان جنین را از بین برد.

۱۱- از مسائل بحث‌انگیز در موضوع سقط جنین آنجاست که بیم آن رود که حمل با بیماری جسمی یا روانی متولد شود. نظر عمده حاخامها این است که این مورد مجوز سقط جنین نیست. با این همه، در احکام حقوقی جدید گفته‌اند که اگر جنین دارای بیماری، زنده ماندنی نباشد تا هفت ماهگی می‌توان آن را سقط کرد.

شمرده شده است، مانند: وجود خطر شدید برای مادر، نامشروع بودن نطفه، حاملگی در خردسالی، بارداری در اثر تجاوز جنسی، احتمال معلولیت شدید، بیماری‌های ارثی، شرایط اقتصادی و اجتماعی سخت و مشکل و عدم توانایی والدین در تهیه وسایل کافی برای تربیت و فراهم آوردن محیط سالم برای زندگی کودک. این مورد اخیر در سال ۱۹۷۷ از متن قانون حذف شد (۲۸).

ن سقط جنین در بین یهودیان ایران: در بین یهودیان ایران، سقط جنین بعد از گذشتن چهل روز از پیدایش نطفه نکوهش می‌شود؛ ولی به هنگام زایمان جان مادر بر جان جنین ارجحیت دارد. رضایت همسر در موجه شمردن سقط جنین نقشی ندارد و فقط در موارد اضطراری و در صورت در خطر بودن جان مادر و با تصدیق پزشک معتقد به اصول مذهبی یهود این کار شدنی است. مواردی چون خطر معلولیت فرزند یا ابتلای مادر به سرخک و ... هیچ‌یک دلیل بر جواز سقط جنین نیست (۲۹).

نتیجه‌گیری

۱- گرچه در تورات به سقط جنین عمدی اشاره نشده است، در منابع بعدی حقوق یهود به این مسئله اهتمام خاص شده و به ویژه در سده‌های اخیر در کانون توجهات و تحقیقات بوده است.

۲- مجازات اسقاط جنین در جریان نزاع (سقط غیر عمدی جنین) پرداخت خسارت به شوهر زن باردار است.

۳- مطابق تلمود، سقط جنین جرم است؛ اما مجازات قصاص را در پی ندارد. گاه برای این کار مجازات تازیانه در نظر گرفته می‌شد (۳۰).

۴- در آموزه‌های اخلاقی و عرفانی یهود، سقط جنین توهین به عمل آفرینش خداست.

۵- اگر جنین جان مادر را به خطر اندازد در حالتی که جنین از رحم مادر خارج نشده می‌توان با استناد به

منابع

- 13- Tos. Sanhedrin 72b; Hulin 72a. cf *The Babylonion Talmud*. 18 vols, ed.: J. Epstein, the soneino Press, London, 1935-52.
- 14- TJ, Sanhedrin, 8:9; 26c.
- 15- Meiri, Sanhedrin 72b.
- 16- Maim. Yad, Roze'ah, 1:9 ; Sh. Ar., HM 425:2; cf. M.E., op. cit., p.100.
- 17- Cf. M.E., op. cit., p.100.
18. Maharit, Resp. no 99; cf. M.E. , Op.Cit., p. 100.
19. *She'elat Yavez* 1:43; cf. M.E., op. cit., p. 100; Michael Fishbane, op. cit, p. 24.
20. Cf. M.E. op. cit., p. 100.
21. Cf. M.E. , op.cit., p. 101.
22. Cf. B. Z. Sch., "Mamzer", *Encyclopaedia dudaica*, v.11, P. 810-842.
23. Cf. M.E., op.cit, p. 111.
24. پادیاوند، ج ۲، ص ۳۷۴.
25. Cf. Michael Fishbane, op. 23-24.
- 26- Ibid; Catechism Of The Catholic Church, Veritas. 1st Ed. ,publietion.1994;p:24.
27. Cf. M.E. , op.cit., p.111.
28. پادیاوند، ج ۲، ص ۳۷۷.
29. از سخنان خاخام ییدییا شوفط، به نقل از پادیاوند، ج ۲، ص ۳۸۷ - ۳۹۸.
30. حافظ محمد(صبری)، المقارنات و المقابلات بین احکام المرافعات و المعاملات و الحدود فی شرع اليهود و نظائرهما فی الشریعة الاسلامیه، چاپ اول، مطبعة هندیه، مصر (۱۹۰۲)، ص ۵۶۹-۵۸۶.
- ۱- سفر خروج، ۲۱:۲۲-۲۵؛ همه ارجاعات به کتاب مقدس از نسخه زیر است: کتاب مقدس. به همت انجمن پخش کتب مقدسه، ۱۹۸۵ (افست از روی نسخه ۱۹۰۴).
- 2- Spec. 3: 108: cf. M.E., "Abortion", *Encyclopaedia Judaica*, v.2. p.98..3
- 3- Ant.4:478;cf.M.E., op.cit. p.99.
- ۴- میک توفیل. قانون نامه حمورابی. ترجمه کامیار عبدی. چاپ دوم، سازمان میراث فرهنگی، تهران (۱۳۷۶).
- 5- Tos. Sanhedrin 59b; Hulin 33a. cf *The Babylonion Talmud*. 18 vols, ed.: J. Epstein, the soneino Press, London, 1935-52.
- 6- Talmud, Yevamut 62b. Nida 13a and 31a.
- 7- Apion 2:202;cf. M.E., op.cit., p.99.
- ۸- سفر خروج، ۱:۲۲؛ همه ارجاعات به کتاب مقدس از نسخه زیر است: کتاب مقدس. به همت انجمن پخش کتب مقدسه، ۱۹۸۵ (افست از روی نسخه ۱۹۰۴).
- 9- Zohar, Exodus, 3b; cf. *The Zohar*. Translated by Harvy Sperling and others. v.3.
- 10- M. Oholot 7:6. cf. Michael Fishbane. "the Image of the Human and the Rights of the Individual in Jewish Tradition." In: Leroy S.Rouner (ed.). *Human Rights and the World's Religions*. University of Notre Dam Press, 1988; p23.
- و نیز رک: نتصر امنون (به کوشش) . پادیاوند (پژوهشنامه یهود ایران). ج ۲، انتشارات فردا، لس آنجلس (۱۹۹۷)، ج ۲، ص ۳۷۲-۳۷۳.
- 11- Michael Fishbane, op. cit., p.23.
- و نیز رک: پادیاوند (پژوهشنامه یهود ایران)، ج ۲، ص ۳۷۲-۳۷۳.
- 12- Sanhedrin 72a; 8:7.